

# روایت جدایی بنی صدر از منافقین

جمعی از پژوهش گران\*

جلب حمایت عراق و بدنامی ناشی از همکاری علنی با رژیم صدام دلایل اصلی این مخالفت بود. همان گونه که بعدها در نامه اش به سازمان چنین تصریح کرد:

... مسئله همکاری با عراق برای سرنگون کردن رژیم... از این راه، رژیم (امام) خمینی سرنگون نمی شود، با کمال تأسف و تثبیت می شود. (۱)

نحوه ملاقات رجوی با طارق عزیز و زمینه سازی انتقال به عراق از مهم ترین مواردی بود که باعث بروز اختلاف در شورا گردید، این ملاقات در ۱۹ دی ۱۳۶۱، با اینکه از قبل در شورا هماهنگی هایی روی آن انجام گرفته بود، مخالفت هایی را از طرف بعضی اعضای شورا از جمله بنی صدر برانگیخت. از موضع گیری های اعضای شورا در قبال این رویداد برمی آید که رجوی به جز شخص بنی صدر، آنان را از ملاقاتی قریب الوقوع با یکی از مقامات عراقی قبلاً مطلع نساخته بود. مسعود رجوی طی جلسه ای که پس از این ماجرا توسط شورا جهت پاسخ گویی برپا می شود، توجیه اتی عرضه می کند.

به ادعای رجوی یکی از دیپلمات های وزارت امور خارجه فرانسه به او تلفن کرده و گفته بود: «طارق عزیز برای دیداری دیپلماتیک با مقامات فرانسوی به فرانسه آمده و علاقه مند

تبدیل شدن شورای ملی مقاومت به عنوان آلت دست سازمان [مجاهدین خلق] از یک طرف و رفتار دیکتاتورمابانه رجوی از طرف دیگر، موجب افزایش اختلاف های داخلی شورا و در نتیجه کناره گیری بعضی گروه ها و اعضای اصلی از قبیل بنی صدر و اطرافیانش، حزب دمکرات کردستان و دیگر گروه ها شد. عمده دلایل این تشتت و انشعاب ها عبارت اند از:

الف) ملاقات رجوی با طارق عزیز و عزیمت سازمان و شورا به داخل خاک عراق

ب) مذاکرات حزب دمکرات کردستان با جمهوری اسلامی ایران

ج) انقلاب ایدئولوژیک در سازمان (از دواج مسعود رجوی و مریم ابریشمی)

د) ایجاد دیکتاتوری رسمی و آشکار توسط رجوی در شورا.

موارد، دلایل و مستندات مربوط به اختلافات به وجود آمده در شورای ملی مقاومت را به اجمال بررسی می کنیم. یکی از مسائل اصلی در اختلافاتی که مابین بنی صدر و رجوی پیش آمد، انتقال پایگاه سازمان و شورای ملی مقاومت به خاک عراق بود. البته از دیدگاه بنی صدر، بی نتیجه بودن

است با شما ملاقات کند و من به همراه ایشان برای ملاقات شما به اوور خواهم آمد و به این ترتیب ما را در مقابل عمل انجام شده قرار دادند.» (۲)

خانابا تهران‌نی اعتقاد دارد که رجوی تلاش کرد تا نشان دهد که شورا برای اولین بار از سوی وزیر خارجه کشوری، به طور رسمی مورد شناسایی قرار گرفته و این یک گام بزرگ دیپلماتیک به شمار می‌آید:

رجوی توضیح داد، برای رفع نقیصه‌ای که پیش آمده است، اعضای شورا می‌توانند تمام گفت‌وگوی میان او و هیئت نمایندگی دولت عراق را که ضبط شده است، گوش کنند. سپس روه مهدی ابریشمچی کرد و گفت: «نوارها را بیاورید و پخش کنید». متن نوارهایی که ما به آن گوش دادیم چیز عجیب و غریبی نبود. مقداری مهمه خبرنگاران و سپس سخن‌رانی کوتاه طارق عزیز را در (۳) پست ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری ایران ملاقات کنم». اعلام این نکته بسیار آگاهانه و دیپلماتیک انجام گرفته بود. آقای طارق عزیز درست در زمانی که بنی صدر خود را رئیس‌جمهور منتخب مردم دانسته و در افاق بغلی به عنوان رئیس‌جمهور نشسته بود، این حرف را می‌زد. معنی این حرف این بود که رجوی را منهای بنی صدر هم قبول دارند، و این سنگ بنای یک دیپلماسی جدیدی بود که از این طریق در شورا، توسط دیپلمات‌های بزرگ‌تر از رجوی گذاشته شده و سیم برق اتصال آن را با شورا وصل کردند. به خاطر دارم وقتی این جمله از نوار پخش می‌شد، رجوی چندین بار به مهدی ابریشمچی گفت: «این قسمت از نوار روشن نیست. لطفاً دوباره آن را پخش کن» و این قسمت از نوار سه بار تکرار شد. (۴)

با توجه به روان‌شناسی بنی صدر و کیش شخصیت او و اینکه شورا در ابتدا با محوریت وی و بهره‌برداری از ارتباطات قبلی او با غربی‌ها و عنوان رئیس‌جمهور سابق ایران شکل گرفت و شناخته شد، به نظر می‌رسد یکی از علل مخالفت بعدی بنی صدر با ارتباط شخصی و علنی رجوی و عراقی‌ها، بیشتر از این موضوع نیز ناشی می‌شد که عملاً این امر به مفهوم

کنار زدن بنی صدر و زمینه‌سازی سلطه مطلق رجوی بر شورا محسوب می‌گردید.

مسعود رجوی بعدها در مورد نظر بنی صدر درباره ملاقات با طارق عزیز چنین گفت:

او [بنی صدر] صد در صد با این دیدار موافق بود. چند روز قبل از ملاقات، از او (بنی صدر) خواستم که اگر چنین دیداری محقق شود خود او هم شرکت کند ولی او به تأکید گفت که: شما بروید از طرف من هم صحبت کنید ... دو شب قبل از ملاقات، بنی صدر به من اطلاع داد که از او نیز تقاضای ملاقات شده اما او باز هم به من اجازه داده است ... بنی صدر در گفت‌وگوی فی‌مابین مشخصاً به من اظهار کرد که اگر اصل بر مذاکره کردن است، اصرار بیش از حد بر علنی بودن ملاقات و اینکه حتماً در محل اقامت ما باشد، چندان ضروری نیست ... (۵)

بنی صدر به رغم موافقت پشت پرده و حمایت تبلیغاتی آشکار از روابط شورا و عراق و طرح صلح مصوب آن، به گونه‌ای پیچیده با موضع‌گیری‌های متناقض و رفتارهای دوگانه تلاش می‌کرد از آسیب‌های تبلیغاتی این موضوع، حتی الامکان خود را برکنار نگاه دارد و امکان مانور و توجیه را برای خویش فراهم سازد.

در همان هنگام و بعد از جدایی از شورا، ابوالحسن بنی صدر در مخالفت با این دیدار و طرح صلح، به ویژه در سال ۶۳ مواردی را در مصاحبه‌ها و روزنامه خود مطرح کرد.

نشریه انقلاب اسلامی چاپ پاریس متعلق به بنی صدر پس از ملاقات رجوی و طارق عزیز، گزارش آن را بدون اظهار نظر خاصی در انتقاد از آن به چاپ رساند (۶) ولی در همان شماره برای دور ماندن از ننگ آشکار همکاری با رژیم متجاوز بعث، طی مقاله‌ای مواضع خود را در مورد متجاوز بودن عراق و تأکید بر ضرورت خاتمه جنگ در آن شرایط نابرابر و صلح با رژیم صدام اعلام کرد؛ که البته همین اعلام نظر و مواضع دوگانه بعدی بنی صدر موجب برانگیختن واکنش سازمان در جلسه خصوصی با وی گردید.

بنی صدر در شرایطی که تلاش می کرد در این ماجرا نقش خود را نشان دهد و از رجوی عقب نیفتد، در یک ژست تبلیغاتی موافقت خود را با این ملاقات مشروط می کند به اینکه طارق عزیز به متجاوز بودن عراق در جنگ اعتراف نماید:

ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور معزول ایران اعلام کرد که وی با دیدار طارق عزیز نایب نخست وزیر عراق و مسعود رجوی رهبر سازمان اپوزیسیون مجاهدین موافقت نمی کند، مگر اینکه عزیز اعتراف کند که عراق تجاوزگر است و در جنگ شکست خواهد خورد. بنی صدر در بیانیه صادره در پاریس توضیح داد که تجاوز عراق به ایران به منظور تجاوز به آزادی‌ها محسوب می گردد... (۷)

پس از پخش گزارش و تفسیر مواضع بنی صدر در تاریخ ۶۱/۱۷۳۰ از رادیو بی بی سی و واکنش سازمان در این مورد، اطلاعیه‌ای از طرف بنی صدر در تکذیب خبر بی بی سی منتشر شد. در این تکذیب نامه چنین آمده بود:

بخش فارسی بی بی سی در برنامه پنجشنبه ۳۰ دی ماه [۶۱] تفسیری درباره آمدن آقای طارق عزیز به دیدار آقای مسعود رجوی، منتشر کرده و در آن مطالبی از قول آقای بنی صدر را عنوان نموده است که نادرست بوده... (۸)

مسعود رجوی ماجرای جلسه با بنی صدر و ارائه تکذیب نامه مزبور را بعدها چنین تشریح نمود:

آقای بنی صدر کمی پس از وقوف بر آنچه بی بی سی بر روی دایره ریخته بود با من تماس گرفت و ضمن ابراز تأسف و ناراحتی، از تفتین مربوطه به شدت انتقاد کرد و به من اطمینان داد که همین الان به آنها (بی بی سی) تلفن خواهد زد و تفرقه اندازی و اکاذیبشان را به باد انتقاد خواهد گرفت.

فرداصبح با برادران مجاهد مهدی ابریشمچی و محمدعلی جابرزاده برای یک سره کردن کارمان با بنی صدر و اطرافیانش به سراغ او رفتیم. لدی‌الورد نوار صحبت تلفنی خود با بی بی سی را برایمان گذاشت. تکذیبیه کتبی را هم که با امضای دفتر رئیس جمهور آماده نموده بود... به ما نشان داد... کوتاه آمدیم و نسخه‌ای از تکذیبیه او را گرفتیم و رفتیم... به توصیه

خود بنی صدر یکی از نوارهای مصاحبه‌اش با خبرنگاران عرب را... به ما دادند تا ابعاد کدورت ما افزایش پیدا نکند... آقای بنی صدر... تصریح می نمود که گرچه نفس ملاقات بلا مانع است اما به او مربوط نیست و او تقاضای ملاقات آقای طارق عزیز را نپذیرفته و به نظرش «استقلال، اولویت اولویت هاست و ماهیت رژیم‌ها مسئله‌ای ثانویست. بنی صدر می افزود که با توجه به موضعش... و با توجه به [سابقه] موضع گیری‌هایش در قبال عراق نمی توانسته است نایب نخست وزیر عراق را بپذیرد. (۹)

از فحوای آنچه که نقل شد بر می آید که سازمان نیز در ابتدا نوعی تقسیم نقش و تفاوت موضع گیری توسط بنی صدر را پذیرفته بوده و اظهارات کنترل شده وی در «پذیرش مشروط ملاقات» و تظاهر به تأکید بر «استقلال خواهی» را عاملی در کاهش آثار منفی ارتباط با رژیم عراق محسوب می کرده است؛ زیرا موضع گیری‌های بنی صدر با عناوین خودخوانده «رئیس جمهور منتخب ملت ایران» و «رئیس جمهور شورای ملی مقاومت صورت می گرفت و در واقع در نقش مکمل اقدامات و مواضع رجوی و سازمان عمل می کرد. اعتراض خصوصی سازمان به وی هم غالباً در خصوص بهره برداری تبلیغاتی برخی از رسانه‌ها در تضعیف موقعیت شورا و یا زیاده روی در نحوه بیان مواضع دو گانه بوده است. یک دلیل آشکار این امر، تداوم همکاری بنی صدر با شورا و سازمان به مدت بیش از یک سال پس از ملاقات مزبور است.

حمایت از طرح صلح شورا در ادامه ارتباط با دولت عراق و در پی ملاقات با طارق عزیز نیز شاهد دیگری بر همراهی و همکاری بنی صدر با سازمان بود. رجوی، خود در سال ۶۳ با ارائه اسناد و مدارک در این باره چنین گفت:

... در اواخر سال ۶۱، طرح صلح شورا به اتفاق آرا به تصویب و امضا رسید. صرف نظر از بگو مگوهای جزئی که در همین رابطه با آقای بنی صدر پیش آمد، با چند تصحیح جزئی (به پیشنهاد آقای بنی صدر) آن را امضا و در نشریه‌اش نیز منتشر نمود. بدین وسیله او بر پای ملاقات و بیانیه مشترک (که در

مقدمه طرح از آن نام برده شده بود) نیز رسماً صحه می گذاشت و سوء تفاهمات فی مابین به خیر و خوشی پایان می یافت... اول فروردین ۱۳۶۲ دولت عراق که طرح صلح شورا را دریافت کرده بود، رسماً به موضع گیری پرداخت و از طرح صلح شورا به عنوان مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح استقبال نمود. (۱۰)

همچنین نشریه سازمان تصویر دست خط بنی صدر مبنی بر تصویب طرح مزبور در پی نوشت نامه رجوی را بعدها منتشر ساخت. بنابراین در شرایطی که ملاقات رجوی با طارق عزیز با موافقت پنهانی بنی صدر در همان مکانی صورت گرفت که محل اقامت وی نیز بود و گزارش این ملاقات و آثار و ابعاد سیاسی و خبری آن و طرح صلح مبتنی بر این ملاقات و مصوب خود وی در نشریه انقلاب اسلامی هم به چاپ می رسید، سایر مواضع و انتقادات ملایم او در آن زمان را می توان این گونه نیز تفسیر نمود که بنی صدر با فاصله گیری اندک از موضوع، در انتظار نتایج آن بوده است و در صورت موفقیت از ثمرات آن بهره مند می گشت، ولی با شکست سیاسی و تبلیغاتی این پروژه، به تدریج مدعی مخالفت اساسی و قبلی گردید تا آنکه به جدایی وی از شورا در زمستان ۶۲ و بهار ۶۳ انجامید.

پشت صحنه تأکید بعدی بنی صدر بر مسئله عراق و هژمونی سازمان در شورا به عنوان علل اصلی جدایی وی، با واکنش های رجوی بیشتر آشکار گردید. به ویژه آنکه در ۴ فروردین ۱۳۶۳ پس از دو سال و نه ماه پیوند رسمی، ابتدا این جدایی از سوی شورای ملی مقاومت، رسماً اعلام گردید (۱۱) و بنی صدر در این مورد نه تنها پیش دستی نکرد بلکه به نظر می رسید که در صورت امکان تداوم موضع گیری های چندگانه، کماکان مایل بود که از منافع سیاسی و تبلیغاتی همراهی با شورا بهره مند شود و هم زمان از تبلیغات منفی مواضع و اقدامات آن، خود را دور نگاه دارد. به قول رجوی:

البته آقای بنی صدر همچنان که در مندرجات اخیر روزنامه اش نیز آمده است [۳۱ شهریور ۱۳۶۳] به غایت خواستار آن بود که در عین تعهدناپذیری خودش و

برخورداری از آزادی کامل ... همچنان رئیس جمهور همین شورای ناشورا! و همین مجاهدین کذا و کذا باشد. (۱۲)  
«... مشکل اصلی بنی صدر این نبود که شورا آلت دست مجاهدین است و الا فعالانه در مباحث آن و در حل مسائل آن شرکت می کرد و نمی گذاشت آلت دست مجاهدین شود ... درد اصلی بنی صدر این بود که مجاهدین آلت دست و نردبان قدرت او نمی شدند. (۱۳)

بنی صدر هم همان گونه که اشاره شد تأکید داشت: آقای رجوی... هر سه اصل میثاق [آزادی و استقلال و عدم هژمونی] را نقض کرد... امروز دیگر هیچ ارزش و حق جهان شمولی نمانده است که زیر پا نگذاشته و نقض نکرده باشد... (۱۴)

همچنین هم بنی صدر و هم رجوی در دعاوی متقابل، یکدیگر را به دروغ گویی متهم ساختند و کوشیدند تا تبیین دقیق و درست ماجرا را برای سایرین دشوار سازند. بنی صدر در نشریه خود رهبری مجاهدین را «معناد قدرت پرستی» و «دچار انحطاطی که حد نمی شناسد» و «در دروغ پردازی گوی سبقت رفته» توصیف کرده و شخص رجوی را بسیار گستاخ، دروغ گو، زورمدار و دارای اخلاق منحط سیاسی خواند. (۱۵)  
رجوی نیز بنی صدر را «فاقد شهامت»، «پیشانی حال و در مانده»، «داعیه دار کذب و تناقض»، «گوینده اباطیل»، «بسیار بی انصاف و گزافه گو» که «در سپاس مندی از خودش حد و مرز نمی شناسد و در جعل آشکار و در تفسیر کج و معوج از روشن ترین و ساده ترین قضایا، بسا دست باز دارد. فی الواقع پدیده غریبی است که از این جوانب در ردیف نوادر است»، (۱۶)، «خائن»، «کاسه لیس»، «لاف زن»، «دارای ماهیت لیبرال ارتجاعی»، و دارای صفاتی از این دست، (۱۷) برشمرد. رجوی که از حیث تنوع و تعدد فحاشی، بر بنی صدر برتری محسوسی داشت در مورد رابطه با عراق تأکید کرد:

... دعاوی بنی صدر درباره مواضع خودش در قبال مسئله عراق و در قبال مذاکرات و پیشنهادات داخلی شورا و آنچه را مدعی است به خود من و به اجلاس شورا در این رابطه گفته،

کاملاً ناصداقانه و آکنده از دروغ است. (۱۸)

خانباها تهرانی که در آن زمان هنوز عضو شورا بود، به دو تن دیگر از اعضا چنین گفت:

مسئله به این سادگی‌ها نیست و هر دو طرف اصل و حقیقت مطلب را آشکارا به ما نمی‌گویند. (۱۹)

از سوی دیگر، مجید شریف که در آن زمان در پاریس به سر می‌برد و از وابستگان سازمان و شورا بود، طی مقاله‌ای در نشریه سازمان با تمجید و دفاع بسیار از رجوی به تحلیل و رد مواضع بنی صدر اقدام نمود و چنین نوشت:

نیروهای واپس‌گرا یا عقب‌مانده، زمانی که خود را با نیروی پیش‌رو روبه‌رو دیده‌اند که... جای را ظاهر آبر آنان تنگ نموده است... پای مسائلی از قبیل «انحصارطلبی»، «وابستگی به خارج» و... را به میان کشیده‌اند که اتفاقاً در مورد خودشان بیشتر صدق می‌کرده است... و امروز نیز نوبت مجاهدین است... آقای بنی صدر نیز... به گونه‌ای دیگر از «توتالیتریزم» مجاهدین سخن می‌گویند... افراد و نیروهایی که حد و جایگاه خویش را فراموش کنند و خود را در موقعیتی برتر از آنچه هستند تصور نمایند و حقیقتاً بیش از آنچه شایستگی دارند طلب کنند، هر مقدار عقب‌بودن را از آنچه برای خویش آرزو و تصور می‌کنند به حساب «بداخلاقی»، «انحصارطلبی»، «توتالیتریزم» و... نیروی پیشتاز می‌گذارند... نمونه آقای بنی صدر باید درس عبرت و هشدار باشد برای همه ما... (۲۰) رجوی هم در این زمینه با اشاره به توهم بنی صدر درباره آنچه که مشروعیت سازمان می‌نامید، و در واقع خود آن هم جز توهم چیزی نبود، چنین نوشت:

... آقای بنی صدر و اطرافیان (به رغم التزامات و امضاهای مکرر پیشین در پای نامه دولت موقت [شورا] و برخی اسناد دیگر و در پای التزام نامه اطرافیان به برنامه دولت موقت به هنگام اعلام بیوستگی به شورا) بر این عقیده بودند که گوئیا مجاهدین، مشروعیت خود را از ایشان گرفته‌اند. در ثانی، در دنیای توهم، آقای بنی صدر و اطرافیان بر آن بودند که گوئیا زمینه‌ها و قوای ذخیره بسیار در داخل کشور دارند و حالا شورا

و علی‌الخصوص مجاهدین می‌خواهند نامردی بکنند و زیر چتر سیاسی آقای بنی صدر، قدرت را برای خودشان قبضه نمایند. (۲۱)

مهم‌ترین موردی که بنی صدر فرصت یافت تا امکان‌گریز از ماجرا پیدا کند، موضوع انتقال سازمان و شورا به داخل خاک عراق تحت کنترل رژیم صدام بود. پرویز یعقوبی از اعضای پیشین کادر مرکزی سازمان در این باره چنین گفته است:

... سازمان در اثر یورش‌ها و تهاجمات رژیم و در آخر با اشغال منطقه آزاد شده «آلان» در کردستان تقریباً تمامی پایگاه‌های خود را در داخل از دست داده بود، لذا مرکزیت به خاطر خروج از بن‌بستی که بدان دچار شده بود، رفتن به عراق و تغییر کیفی در استفاده از امکانات آن را به عنوان تنها راه نجات و حفظ موقعیت خود و رسیدن به حاکمیت تشخیص داد. تصمیم می‌گیرد و به اجراء می‌آورد و برای اینکه در این ماجرا تنها نباشد تصمیم می‌گیرد که برای شریک کردن شورا در این جریان، مسئله را در شورا مطرح و تأییدیه آن را کسب نماید که بعد از طرح مسئله با مخالفت بنی صدر مواجه می‌شود. (۲۲)

البته رجوی گزارش دیگری از نظر بنی صدر در مورد رفتن شورا و سازمان به داخل عراق داده است:

در جلسه ۱۲ و ۱۳ دی ماه [۱۳۶۲] نیز با حضور خود بنی صدر مفصل بحث کردیم و با توافق خود او قرار شد مجاهدین بروند و در مورد این ایده و شرایط ملازم با آن تحقیق کنند و حتی طرح بیاورند. خلاصه کلام، جوهر و پیام نظر او اگرچه آن را با چاشنی به اصطلاح استقلال‌طلبی قاطی می‌نمود، این بود که اگر طرح موفق باشد و به سرنگونی [امام] خمینی منجر شود «مشروع» است و هیچ‌کس «برنده» و «پیروز» را به زیر علامت سؤال نخواهد کشید که چطور بیروز شد. اما در عین حال عمیقاً حواسش جمع بود که خود هیچ ریسکی نپذیرد و مسئولیتی نداشته باشد و همه ریسک‌ها و مسئولیت‌ها بر عهده مجاهدین و شخص من باشد... هدف او از این نحوه برخورد دوگانه این بود که راه‌اما و اگر کردن راه محکوم نمودن احتمالی ما را برای استفاده‌های ضروری در آینده نبندد و باز نگه دارد و در عین

حال منافع احتمالی را نیز از دست ندهد... در مشروع بودن ایده و طرح [رفتن به عراق آنیز حرفی و مخالفتی نداشت... در آغاز، عمده نگرانی‌های بنی صدر درباره ایده جدید، نه بر سر مشروعیت یا عدم مشروعیت آن و مسئله استقلال یا عدم استقلال ما (مجاهدین و شورا)، بلکه اکیداً بر سر خطرات اجرایی و عملی آن بود... [بنی صدر] روی تضمین‌های سیاسی و امنیتی تأکید می‌کرد... گاه می‌گفت خیلی خطرناک است، مثل خودکشی است، ممکن است شمارا بسوزانند... (۲۳)

بنی صدر بعدها در سال ۱۳۷۷، همچون گذشته، یکی از دلایل متلاشی شدن شورا را رفتن سازمان در سال ۶۵ به داخل خاک عراق تحت حکومت صدام برشمرد و این واقعیت را برای بهره‌برداری خویش این‌گونه اذعان نمود:

نقض اصل استقلال با رفتن به عراق و به خدمت جنایت‌کارترین و فاسدترین رژیم‌ها [رژیم صدام] درآمدن، در جامعه ایران، این گروه [سازمان مجاهدین] را ضدایرانیت، ضدانسانیت، ضد عاطفه ملی گردانده و محکوم به انزوا کرده است. (۲۴)

اما مسعود رجوی در یک دیدار محرمانه با رئیس سازمان اطلاعات رژیم صدام در سال ۱۹۹۹، در مورد اهمیت پیوند سازمان و عراق چنین گفته بود:

... این روزنامه و اشنگتن تایمز عکس سیدالرئیس [صدام] را با من چاپ کرده و نوشته‌اند که آنها [مجاهدین] اوراق‌هایی در دست صدام حسین هستند... این روزنامه‌های ارتجاع و استعمار حرف روشنی دارند، یک حرف می‌زنند و آن هم این است که از عراق دور شوید، فاصله بگیرید از عراق. ما می‌گوییم مگر می‌شود؟ می‌خواهیم از مرز عراق، کشورمان را آزاد کنیم... ما انتخابمان مرز عراق است. به یاد می‌آوریم که در سال ۱۹۸۲ وقتی که طارق عزیز به منزل ما در پاریس آمد، با همدیگر قرارداد صلح امضا کردیم و من جلوی خبرنگاران گفتم... که [امام] خمینی شکست می‌خورد و این مقاومت [سازمان] و مردم عراق هستند که پیروزمندان از این جنگ خارج خواهند شد... (۲۵)

سازمان با تأکید بر اهمیت مسئله رفتن به عراق شکاف بین خود و بنی صدر را تا به آنجا گسترش داد که نهایتاً به بیرون راندن بنی صدر از شورا انجامید. اما در قبال جریان اختلاف و جدایی بنی صدر و رجوی تحلیل‌های موجود را می‌توان به این صورت دسته‌بندی و ذکر کرد:

#### الف) اختلافات بنی صدر و شورا از دید هواداران بنی صدر

برای آگاهی از موضع و دیدگاه هواداران بنی صدر نسبت به این جریان بهتر است اشاره‌ای شود به مطلبی از نشریه انقلاب اسلامی (چاپ پاریس) که تحت عنوان «چرایی جدایی مجاهدین از بنی صدر» منتشر شد:

۱- تنها مجاهدین بودند که از بنی صدر جدا شدند و اعضای شورا هنوز هم پیمان با بنی صدر می‌باشند.

۲- شورا وجود خارجی ندارد، و اگر چیزی به این نام وجود داشته باشد، آلت دست سازمان است. (۲۶)

با این تحلیل و موضع‌گیری هواداران بنی صدر، آشکار بود که وی هنوز گوشه‌چشمی به شورا داشت و در صورتی که امکان‌پذیر می‌بود، در قالب همان شورا یا ائتلافی دیگر مایل بود که سایر اعضا را بر محور رهبری خود گرد آورد. همچنین به نظر می‌رسید که بنی صدر این موضع را از روی ناچاری و به دلیل ضعف در رقابت با سازمان بیان کرده است. چرا که این امر کاملاً روشن بود که بنی صدر نه مخالف ماهوی شورا بود و نه مخالف واقعی استراتژی سازمان مجاهدین.

ب) اختلاف میان بنی صدر و شورا از دید سازمان  
همچنین سازمان تحلیل‌ها و دلایلی را که در خصوص نهایی شدن جدایی از بنی صدر ذکر می‌کند که اهم آنها را از نظر می‌گذرانیم:

... گام کیفی جدیدی که روزنامه ناشر افکار آقای بنی صدر علیه مجاهدین برداشته... و بالمال بویی جز یک گام به سوی خداحافظی با ما و شورای ملی مقاومت نمی‌داد...

... آقای بنی صدر در بهمن ماه سال گذشته سال ۱۳۶۲ [در مصاحبه‌اش با ارگان حزب سوسیالیست فرانسه ضمن

مخالفت با قیام عمومی که به زعم بنی صدر، حیات مملکت را به خطر می افکند، در قبال رژیم ... از راه حل «هضم کردن» سخن گفته بود در همین حوالی به مناسبت سالگرد انقلاب ضدسلطنتی در یک مصاحبه با روزنامه «کوتیدین دویاری» عنوان نموده بود که «چریک ها در ایران انقلاب نخواهند کرد» که معلوم بود منظورش عمدتاً مجاهدین هستند...

چند هفته پس از قطع موقت (یک هفته ای) بمباران شهرها [اسفند ۱۳۶۲] ... توسط دولت عراق که به درخواست مسئول شورا صورت گرفته بود، روزنامه ناشر افکار بنی صدر به بهانه «دروغ های طارق عزیز»، به ناگهان قدم جدیدی برداشت و آقای بنی صدر بدان وسیله با شورا و بالاخص با مجاهدین، فصل نویی باز گشود ... هدف بنی صدر و روزنامه ناشر افکارش قبل از هر چیز، مشخصاً خالی کردن زیر پای مجاهدین و شخص مسئول شورا بود ... [بنی صدر] چهار ماه بعد، کتاباً از [امام] خمینی تقاضای تشکیل یک دولت لایق و نجات اسلام و ایران را نمود. پس ما، به عکس، می باید خودمان را ... نجات می دادیم و دیگر در آن نقطه، عذر آقای بنی صدر را هر چه زودتر می خواستیم. (۲۷)

رجوی در گزارش خود از جریان پیوند و جدایی بنی صدر چند بار تأکید می کند که سازمان از ائتلاف و اتحاد سیاسی با وی متأسف و پشیمان نیست:

... ما به هیچ وجه از ائتلاف با بنی صدر پشیمان نیستیم. یعنی اگر بتوان نوار زمان را تکرار نمود، ما باز هم با همان «بنی صدر فردای ۳۰ خرداد» مؤتلف و متحد می شویم. منتها با هوشیاری و محکم کاری بیشتر... اگر چه باید تأکید نمود که ... برای خود او فوق العاده متأسفیم. (۲۸)

«... ما از اتحاد سیاسی با بنی صدر در چارچوب شورای ملی مقاومت به هیچ وجه متأسف و پشیمان نیستیم ... ما در شرایط مشخص داخلی و بین المللی ... به تأسیس شورا و ائتلاف با آقای بنی صدر همت گماشتیم و ۲ سال و ۹ ماه نیز در رابطه با بنی صدر با سعه صدر کامل آزمایش پس دادیم...» (۲۹)

رجوی همچنین یادآوری می کند که:

... وقتی بنی صدر به تازگی رئیس جمهور شده بود با برادر مجاهدان عباس داوری به دیدارش رفتیم و تیریک گفتیم ... بنی صدر در پاسخ گفت می دانم که شما [سازمان] نیروی آینده اید ... (۳۰)

ج) اختلاف میان بنی صدر و رجوی از دید یک عضو شورا

خانبا با تهرانی، نماینده شورای متحد چپ در شورا، درباره اختلافات بنی صدر و رجوی مطالبی را بیان کرده است که در اینجا بخشی از آن را می آوریم:

[...] پس از رفتن به «اور سور اوواز» و تشکیل جلسه، رجوی شروع به صحبت کرد و گفت: «رفقا و برادران، سازمان مجاهدین خلق به تصمیم جدیدی رسیده است ... ما دیگر نمی توانیم به همکاری با آقای بنی صدر ادامه بدهیم، و این امر را دیشب، آخر وقت، طی یک نامه به ایشان ابلاغ کرده ایم. اکنون این متن نامه ما به آقای بنی صدر و این هم جوابیه ایشان به نامه ما...»

... در نامه مجاهدین دلایلی مبنی بر عدم امکان همکاری با بنی صدر آمده بود. بنی صدر هم در پاسخ، نامه کوتاهی به عنوان جوابیه نوشته بود که در آن آمده بود: «من با شما در یک منزل و در زیر یک سقف زندگی می کنم، اما از اموری که در اینجا می گذرد، کمتر از مردم کوچه و بازار اطلاع دارم. چند ماه پیش، از ایران به من اطلاع رسید که در تهران شایع است مجاهدین به زودی رابطه شان را با بنی صدر قطع خواهند کرد، چون قصد وحدت با فدایی ها را دارند.» بنی صدر سپس اضافه کرده بود: «من می دانم تمامی موارد دیگری را که برای عدم همکاری با من ذکر کرده اید بهانه پوچی بیش نیست. دلیل اصلی این است که شما قصد دارید به عراق نزدیک شوید و من با این موضوع مخالف هستم و به چنین رابطه ای تن نمی دهم.»

... مسئله به این سادگی ها نیست، هر دو طرف اصل و حقیقت مطلب را آشکارا به ما نمی گویند، آنچه را هم که می گویند حرف ها و ادعاهایی است که ظاهر جریان است. اختلاف بر سر یک اصل اساسی است. به عقیده من داماد آقای

بنی صدر می خواهد از این باغ بیرون برود و سید [بنی صدر] مچ پای او را گرفته و می گوید: «نمی گذارم دَر بروی» ... به باور من رجوی سفر دوری را در پیش دارد. به زودی در عراق کنفرانس وزاری خارجه کشورهای اسلامی برگزار می شود و مجاهدین قصد دارند به عنوان یک مانور دیپلماتیک در این کنفرانس شرکت کنند.

**عراقی ها هم می خواهند با دعوت رجوی به این کنفرانس و استقبال نمایی از او در بغداد به عنوان نماینده مشروع مردم ایران و رئیس دولت موقت از یک سوره کشاندنش به عراق را هموار کرده و از سوی دیگر با این مانور دیپلماتیک، در عرصه جهانی ... ضربه ای وارد کنند. (۳۱)**

برآیند کل مباحثی که درباره جدایی بنی صدر و سازمان مجاهدین طرح شده است می تواند ما را به این سمت سوق دهد که اختلاف بین این دو عمدتاً از جهت قدرت طلبی طرفین بوده و دلیل اخراج شدن بنی صدر از شورا می تواند این باشد که او رقیبی در مقابل سازمان بود و از طرفی هم او دیگر برای شورا بهره دهی لازم را نداشت. و بالاخره شورا طی بیانیه ای علناً جدایی بنی صدر را اعلام کرد:

... از آنجا که در شرایط کنونی عملاً همکاری میان آقای بنی صدر و شورای ملی مقاومت در چارچوب این شورا نامیسر می نماید، مصلحت بر این قرار گرفت که به ائتلاف سیاسی فی مابین در شکل کنونی خاتمه داده شود. آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت امیدوارند همچنان که همکاری و اتحاد آنها طی دو سال و هشت ماه گذشته سنت نیکویی ... بوده است، پایان محترمانه و دوستانه آن نیز سنت حسنه دیگری در تاریخ ائتلاف های سیاسی میهن ما باشد.

بدیهی است آقای بنی صدر و شورای ملی مقاومت ضمن قدرشناسی متقابل از اقدامات و مبارزات گذشته یکدیگر ... دست آوردهای مشترک فعالیت ائتلافی گذشته خود ... را مورد تأیید قرار داده و آنها را بسیار ثمربخش می دانند. شورای ملی مقاومت ۱۳۶۳/۷۴ (۳۲)

اما این لحن محترمانه جز اندک مدتی دوام نیاورد و در

بیانیه های بعدی و اظهارات متقابل رجوی و بنی صدر که آکنده از انواع زشت گویی و خشونت کلامی بود و سال ها تداوم داشت، هیچ نشانی از سنت حسنه ادعایی بیانیه، جز همین چند سطر تعارف گذرا، مصداق واقعی دیگری نیافت.

#### منابع:

- ۱- فراز و فرود شورای ملی مقاومت مجموعه مصاحبه های سیاسی، هلند، انجمن سیاسی فرهنگی ایران پیوند، بهار ۱۳۸۱.
- ۲- حمید شوکت نگاهی از درون به جنبش چپ ایران (گفت و گو با مهدی خانبابا تهرانی) ج ۲ ص ۵۵۰.
- ۳- بریدگی از متن کتاب است. (فصل نامه نگین)
- ۴- همان: ص ۵۵۱.
- ۵- نشریه مجاهد، ش ۲۲۷: ص ۲۰.
- ۶- نشریه انقلاب اسلامی (چاپ پاریس)، ش ۴۴، ۶۷۱۰/۲۱.
- ۷- روزنامه الخلیج، ۱۶ ژانویه ۱۹۸۳، به نقل از مجاهد، ش ۲۲۷: ص ۲۴.
- ۸- نشریه انقلاب اسلامی (چاپ پاریس)، ش ۴۶، ۱۳۶۱/۱۲/۱۹.
- ۹- نشریه مجاهد، ش ۲۲۷: ص ۲۵.
- ۱۰- همان: صص ۲۵ ۲۶.
- ۱۱- این اطلاعیه علاوه بر درج در نشریه سازمان، در نشریه انقلاب اسلامی (چاپ پاریس) متعلق به بنی صدر، مورخ ۱۳۶۳/۷/۱۵ نیز انتشار یافت.
- ۱۲- نشریه مجاهد، ش ۲۲۸: ص ۳۲.
- ۱۳- همان، ش ۲۲۳: ص ۳۹.
- ۱۴- فراز و فرود شورای... ص ۳۲.
- ۱۵- نشریه انقلاب اسلامی (چاپ پاریس)، مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۶۳.
- ۱۶- نشریه مجاهد، ش ۲۲۳: ص ۹.
- ۱۷- همان؛ ش ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۸: گزارش رجوی درباره جدایی از بنی صدر.
- ۱۸- همان؛ ش ۲۲۳: ص ۶.
- ۱۹- شوکت، نگاهی از درون... ج ۲: ص ۵۹۴.
- ۲۰- نشریه مجاهد، ش ۲۲۴: صص ۲۱ و ۲۲ و ۲۴.
- ۲۱- همان، ش ۲۲۵: ص ۵۳.
- ۲۲- پرویز یعقوبی، جمع بندی دو ساله از انحرافات رهبری سابق سازمان مجاهدین خلق ایران.
- ۲۳- نشریه مجاهد، ش ۲۲۳: ص ۴۰.
- ۲۴- فراز و فرود شورای... ص ۳۲.
- ۲۵- برای قضاوت تاریخ: صص ۱۱۴ ۱۱۵.
- ۲۶- نشریه انقلاب اسلامی (چاپ پاریس)، ش ۸۲، ۶۳۶/۳۱: ص ۲.
- ۲۷- نشریه مجاهد، ش ۲۲۸: صص ۲۳ ۲۴.
- ۲۸- همان: ص ۳۵.
- ۲۹- همان، ش ۲۲۳: ص ۴۴.
- ۳۰- همان: ص ۴۲.
- ۳۱- شوکت، نگاهی از درون... ج ۲: صص ۵۹۱ و ۵۹۵؛ ضمناً آن کنفرانس برگزار نشد و چنان طرحی نیز اجرا نگردید.
- ۳۲- نشریه مجاهد، ش ۱۹۶: ص ۱. نیز نشریه انقلاب اسلامی (چاپ پاریس)، ش ۷۰، ۶۳/۷۵.